

چاوش نامه به منزله گونه‌ای مذهبی در ادب فارسی

حسن ذوالفقاری^۱

چکیده

ادبیات شیعی بخشی از ادبیات غنی فارسی است. این نوع ادبی از همان آغاز قرن چهارم، در کنار شعر فارسی شکل گرفت. بخشی از این میراث ادبی به صورت مکتوب در قالب دیوان‌ها و منظومه‌های شیعی باقی مانده است و بخش مهم دیگر، شکل شفاهی دارد. اغلب اشعار و متون منظوم شیعی، آیینی با خود دارند که باعث ماندگاری آن‌ها شده است. یکی از این گونه‌های مهم، چاوش‌نامه‌ها و آیین چاوشی است. چاوشی شعر پیشواز و مشایعت حاجیان و زائران اماکن مقدس است. عشق مردم به زیارت، باعث رونق این آیین و گونه شده و تاکنون ده‌ها منظومه و صد‌ها شعر در قالب‌های مختلف، با مضامین و کارکردهای گوناگون، درباره این آیین شکل گرفته است. در این مقاله، ضمن بررسی این گونه، به ساختار و محتوای آن می‌پردازیم و وجود ادبی و مردم‌شناسی آن را بررسی کرده و درنهایت، مهم‌ترین چاوش‌نامه‌ها را معرفی می‌کنیم. بررسی‌های مانشان می‌دهند که چاوش‌خوانی از سنت‌های بسیار رایج در تمام نواحی و مناطق ایران بوده است که با برخی ویژگی‌های خاص، عموماً کارکرد مشترک مذهبی دارد.

واژه‌های کلیدی: فرهنگ عامه، ادبیات شیعی، چاوش‌خوانی، چاوش‌نامه.

۱. استاد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تبریز مدرس zolfagari_hasan@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۰۴ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۱۳

۱. مقدمه

ادبیات دینی گونه‌ها و گسترهٔ فراوانی دارد. حمله‌نامه، مقتل‌نامه، مولودی، نوحه، تعزیه، پرده‌خوانی، منبرخوانی، ولایت‌نامه و... گوشه‌هایی از این ادبیاتند که هریک شیوه‌های اجرایی متنوعی در نقاط مختلف دارند. یکی از این گونه‌ها، چاوش‌نامه‌ها هستند که تعدادی از متون آن‌ها اکنون در دست است و چاوش‌خوان‌ها مجریان آن هستند. چاوش‌خوانی از حیث ادبی، از نمونه‌های ادبیات غنایی عامه است که بیانگر عواطف و احساسات خواننده، برانگیزانندهٔ عشق و دلدادگی مخاطب، انعکاس‌دهندهٔ آرزوها و برآورده شدن حاجات، اندوه سفر و مشکلات راه و شرح مصائب خاندان پیامبر^(ص) است. این گونه از دل سنت مذهبی «زیارت» برآمده است. فرهنگ زیارت در دل خود خرد فرهنگ‌هایی دارد و چاوش‌خوانی یکی از آن‌هاست که به عنوان سنتی دیرینه، آدابی دارد و گونه‌ای ادبی است که در این مقاله به ابعاد ادبی و ساختار و جنبه‌های آیینی آن پرداخته خواهد شد.

۲. پیشینه

۱-۲. کتاب‌ها

جابر عناصری در کتاب درآمدی بر نمایش و نیایش در ایران (۱۳۶۶)، بخشی را به چاوشی و چاوش‌خوانی اختصاص داده است. نوری و جوادیان (۱۳۸۴) کتاب چاوش را تنظیم و منتشر کرده‌اند که حاصل یک همایش است. هاشمی در کتاب سفرهای زیارتی در فرهنگ مردم (۱۳۸۷) نیز ضمن یادکرد آداب و رسوم سفرهای زیارتی، از چاوشی و آداب آن سخن گفته است. معتمدی (۱۳۸۶) در کتاب چاوشی

سننی شیعیان (پژوهشی مستقل درباره چاوشی سننی شیعیان)، در ۲۳ فصل، به معرفی و بررسی این سنت کهن می‌پردازد. ذوالفقاری و حیدری (۱۳۹۵) در کتاب ادبیات مکتب خانه‌ای ایران و غلامی جلیسه در کتاب‌های چاوش نامه (۱۳۹۲) و چاوش خوانی (۱۳۹۹)، ضمن تصحیح و انتشار چندین چاوش نامه، به معرفی این آیین پرداخته‌اند.

۲-۲. مقالات

هوشنگ جاوید (۱۳۸۵) در مقاله «چاوش: بانگ قدسی ۲» این آیین را معرفی کرده و مراحل چاوشی خوانی را به همراه نمونه‌هایی آورده است. مظلومزاده در مقاله « Ziaret در کازرون» (۱۳۸۷) و همچنین باستی و مؤمنی (۱۳۹۸) در مقاله «چاییشی، عشوری و آیین ای دوست خوانی در شهرستان دامغان» و سعیدی و همکاران (۱۳۹۸) در مقاله «آیین چاوش خوانی در استان هرمزگان»، موضوع را در یک منطقه رديابی کرده‌اند. در دانشنامه ادب فارسی (عطاری، ۱۳۸۱)، دانشنامه جهان اسلام (مشهدی نوش‌آبادی و موسی‌پور، ۱۳۷۷)، دایرة المعارف بزرگ اسلامی (میرخرایی و نصری اشرفی، ۱۳۹۰) و دانشنامه فرهنگ مردم ایران (احمدی، ۱۳۹۴) هم ذیل مدخل چاوشی، اطلاعات درخوری دیده می‌شود.

در این مقالات و کتاب‌ها، اطلاعاتی پراکنده وجود دارد که هریک از بُعدی به موضوع پرداخته‌اند. نویسنده این مقاله می‌کوشد چاوش نامه را از زاویه نوع و گونه‌ای مستقل بررسی کند.

۳. سنت چاوشی

از آیین‌های استقبال و بدرقه حاجیان و زائران عتبات و مشهد، چاوش خوانی است. آیین هفت قدم همراهی برای بدرقه از دیرباز مرسوم بوده است (برای نمونه، نک: کاشفی سبزواری، ۱۳۶۲: ۱۳۲). برخی (عناصری، ۱۳۶۶: ۱۶۴؛ یوسفی، ۱۳۷۰: ۸) کوشیده‌اند میان این رسم با آیین سوگ سیاوش شباهتی بیابند؛ گو این‌که رسم «حدی خوانی» را نیز که نزد شتربانان کاروان‌های عرب معمول بوده است، می‌توان کمابیش چاوش خوانی دانست (مشهدی نوش‌آبادی و موسی‌پور، ۱۳۷۷، ج ۱۱: ۶۸۶). ابن بطوطه (۱۳۳۷: ۷۰۳-۷۷۹) از رسم محمول‌گردانی یاد می‌کند؛ چنان‌که شترداران پیش از سفر حج، پیش‌پیش قافله حرکت می‌کردند و آواز می‌خواندند (ابن بطوطه، ۱۳۳۷: ۳۶).

در قرن‌های بعد، این هنر ضمن رسمیت یافتن، برای سفر به تمام مکان‌های مقدس مذهبی گسترش یافت و عمومیت پیدا کرد. بنا بر گزارشی در سفرنامه زان اورتر، چاوش قاصد شاه است (اورتر، ۱۳۶۶: ۳۶۹). پولاد (۱۸۹۱-۱۸۱۸) در شرح وظایف چاوشان می‌نویسد:

«در مسافت‌ها بسیار می‌شود که آدمی با کاروانی از زائران برخورد می‌کند. به هنگام عبور از شهرها، در رأس قافله، چاوش حرکت می‌کند. وی بیرق سرخی با خود دارد و با صدایی بلند، مدح قدیسی را که به زیارت‌ش می‌روند، سرمه دهد. به دنبال او، خیل مردان و زنان و همچنین کودکان در حرکت‌اند که تک‌تک یا جفت‌جفت، در کجاوه به اسب یا الاغ بسته شده، طی طریق می‌کنند.... روی هم رفته، می‌توان گفت که اکثر زوار حج در بین راه فوت می‌کنند و به زحمت کثیر، این زوار باز به وطن خود بازمی‌گردند و به همین دلیل است که چاوشی را «مرثیه» هم می‌نامند» (پولاد، ۱۳۶۱: ۲۳۰).

بنابر متون تاریخی، چاوش خوانی آوازی دینی و استغاثه‌آمیز و لشکری بوده که چاوش خوان‌ها در رکاب امرا و شاهان، به منظور دعا و آرزوی خیر، می‌خوانده‌اند. چاوش خوانان با عصای سرکج پیشاپیش موکب به حرکت درمی‌آمدند و با بانگ بلند و رعدآسا، مردم را از عبور پادشاه مطلع می‌کردند. مولانا بدین رسم اشاره دارد:

بانگ چاوشان و آن چوگان‌ها

که شود مست از نهیش جان‌ها

این برای خاص و عام رهگذر

که کندشان از شهننشاهی خبر

(مولوی، ۱۳۸۵: دفتر ۴، بیت ۳۷۷۲؛ نک: خاقانی، ۱۳۱۶: ۶۰۵؛ نظامی، ۱۳۳۴: ۸۴)

محمد‌هاشم آصف در رستم التواریخ و در کوبه و جلال نادری، به چاوشان بسیاری اشاره می‌کند که در یمین و پسار شاه، با عصاهای زرین و سیمین، به ذکر «الْمُلْكُ الْيَوْمَ لِلّهِ الْوَاحِدِ الْقَهّارِ» مشغول بوده و می‌رفته‌اند (آصف، ۱۳۵۲: ۱۱۷). جیمز موریه (۱۸۴۹-۱۷۸۰)، سیاح مشهور، در گزارش خود از همراهی چاوشان با کاروان‌های زیارتی و نواختن کوس و نقاره خبر می‌دهد (موریه، ۱۳۸۶: ۸) و اینکه در شاه عبدالعظیم، در مراسم بدرقه زائران امام رضا^ع، نقاره می‌نواخته و اشعاری را به آواز می‌خوانده‌اند (همان، ۱۰).

گویا تا پیش از متداول شدن واژه «چاوش»، این گروه خوانندگان به «نقیب» شهرت داشته و مدت‌ها نقیب و چاوش هم عرض استعمال می‌شده‌اند. پس از رسمی شدن مذهب شیعه در ایران، رفته‌رفته چاوش خوانی جزو مناسک زائران شد و چاوشی به شکل امروزی درآمد. در سال ۱۳۱۰، آمارنامه تهیه شده در بیدگل کاشان چاوشی را به عنوان شغل ثبت کرده است (وصاف بیدگلی، ۱۳۵۸: ۴۳).

در دوره قاجار، برخی چاوشان جزو درویشان خاکساریه بودند (افشاری، ۱۳۸۲: ۲۳۱-۲۳۲). به اعتقاد چاوشان سلسله درویشان عجم، حضرت ابراهیم^(ع) و بلال حبشی از پیران این سلسله بوده‌اند (محجوب، ۱۳۸۳: ۱۰۷۵). «اگر پرسند که چاوش به که می‌رسد؟ جواب گو در شب معراج، به پیغمبر^(ص) که به معراج می‌رفتند. چاوش راه جبرئیل بود که در هر زمان خبر می‌داد. در زمان ختمی مآب، پیامبر^(ص)، عمر بن خزاعی بود. بعد از آن، به عقیل رسید. بعد از او به بشیر» (میرعبدیینی و افشاری، ۱۳۷۴: ۳۱۸). برخی از رفتار و گفتار چاوش و نقیب چنین است:

«هریک از جوارح نقیب باید متصف به صفاتی باشد: در سرشور عشق الهی، پیشانی نیاز به درگاه بی‌نیاز گذاشت، در ابرو حجاب داشتن، حیا در چشم داشتن، روی امید به سوی رب مجید نمودن، لب به ذکر خداگشودن، زبان شکر و حمد و نعمت و مدح گفتن، گردن کج کردن به درگاه کریم، سینه را منبع حلم و معدن علم نمودن، در دل تولای ائمه هدی داشتن، دست سخاوت را از آستین مروت بیرون آوردن، پشت عبادت خم نمودن و کمر خدمت را به رشتۀ فقر و اخلاص محکم بستن، زانوی ادب شکستن و بر مسند احترام نشستن و پا از طریق مردان راه بیرون نگذاشت». (همان، ۳۳۰)

شاید از این روست که «چاوش خوانان عزا قائل به پیر هستند و پیر خود را بشیر بن جذلم می‌دانند. به همین دلیل، در روز اربعین، به عنوان تجدید بیعت با مراد خود و همچنین پیروی از پیر خود، با پای برنه، پوشیدن دشداشۀ بلند و ظاهری محزون، به خیابان‌ها می‌آمدند» (جاوید، ۱۳۸۸: ۲۲۲).

۱-۳. نامگذاری

چاوش در اصل از کلمۀ ترکی «چو» یا «چا» (کاشغری، ۱۳۸۴، ج ۱: ۳۰۷) به معنی «اعلان» و «خطاب» است. به پیشوّر لشکر یا کاروان سپاهیان، راهنماء، حاجب و نقیب قافله

نیز چاوش می‌گفتند. فراش تشریفات، جارچی، پیک، یساول، وکیل و پیشوو کاروان، نگهبان و مراقب کاروانیان، نگهبان اعلام‌کننده، مرد اسب‌خواه و کسی که کاروانیان را به حرکت درمی‌آورده و جنگ‌جویان را تشویق و تحریک می‌کرده است، از دیگر معانی چاوش است. چاوش و چاوشی و چاوش باشی در تشکیلات دولت ترکان عثمانی، شغلی بوده (قدرتی، ۱۹۲۸: ۴۰۰) و بعدها این واژه در زبان فارسی وارد شده و از آنجا به «شاوش» و «شاویش» تبدیل شده و به زبان عربی رفته است. دهخدا «چاو» را «بانگ و سروصدای گنجشک» معنا کرده است (دهخدا، ۱۳۴۵: ذیل چاوش). معانی آن در اصطلاح عبارتند از «کسی که دعوت رفتن به زیارت عتبات عالیات کند، کسی که در فصل مناسب زیارت، سواره یا پیاده، به راه افتاد و روستاییان را با جازذب یا خواندن اشعار مهیج و مناسب، به زیارت اعتاب مقدسه تشویق و تهییج نماید» (همان، همانجا).

این سنت در هر منطقه نامی نزدیک به چاوشی دارد؛ مثلاً «چوشی» در فارس (انجوی شیرازی، ۱۳۷۹: ۱۰۰)، «چاییشی» در دامغان (باسیتی و مؤمنی، ۱۳۹۸: ۱۷۸)، «چاهوشی» در مازندران (دانای علمی، ۱۳۹۶: ۵۹)، «چئوش» در زاگرس مرکزی (نصری اشرفی، ۱۳۹۰: ۷۲۵)، «چاشی» یا «چایشی» در هرمگان (درویشی، ۱۳۷۳: ۴۷) و «چوش» در تنگستان (حسن عالی، ۱۳۹۴: ۱۴۹). ممکن است این آیین نامی متفاوت با همین کارکرد داشته باشد؛ مثلاً «زواری» (آساشی، ۱۳۸۶: ۱۴۸)، «راهی» در گیلان (نصری اشرفی، ۱۳۹۰: ۷۲۷) و «نذرخوانی» در بیرجند (شريفيان، ۱۳۸۵: ۶۴).

۲-۳. چگونگی اجرای چاوشی

چاوشان پیش‌کسوت پس از رسیدن به مرحله علمداری، به کار تربیت شاگرد می‌پرداخته‌اند؛ چون نوچگی، روخوانی از چاوش نامه‌ها، ازبر کردن، هم‌آوایی و همراهی با چاوش ماهر (انوشه، ۱۳۸۱: ۵۰۳). چاوشی در برخی موارد، حرفه‌ای موروثی بوده؛ چنان‌که براساس موقوفات تکیه بیدآباد در شاهروود، در خانواده چاوشان گردش

داشته است (شريعت زاده، ۱۳۷۱: ۴۰۹-۴۱۳).

چاوش خوانی به دو صورت تک خوانی و هم خوانی انجام می‌شده است. در بوشهر، زنان نیز چاوشی می‌کنند و گاه میان چاوشان زن و مرد، آواز مبادله می‌شود (شریفیان، ۱۳۸۵: ۶۵). چاوش خوان باید صدایی گرم، قوی و خوش داشته باشد و از هنر بدیهه خوانی و حافظه نیرومند برخوردار باشد (عناصری، ۱۳۶۶: ۱۳۴). زائران هریک به فراخور وضع مالی خود، انعامی به چاوش خوانان می‌پرداختند. چاوشان همراه زائران، به هنگام نزدیک شدن به شهر، «گبندنما» از زائران دریافت می‌کردند (طباطبایی اردکانی، ۱۳۸۱: ۴۶۶).

در مناطق جنوبی، به این آیین «چوشی» می‌گویند. اشخاصی که صدایی رساو زیبا دارند، با خواندن اشعاری به صورت یک یا دو نفره، چاوشی را با ایاتی مانند:

بر مشامم می‌رسد هر لحظه بُوی کربلا
در دلم ترسم بماند آرزوی کربلا

تشنه آب فراتم، ای اجل، مهلت بده
تا بگیرم در بغل، قبر شهید کربلا

شروع می‌کنند و با بیتی مانند:

که خدا گفته در همه آیات
به شهنشاه کربلا صلوات

به پایان می‌برند. پس از آن، شخصی دیگر یا خود چوشی خوان دوباره شروع می‌کند و ممکن است چندین شعر و بیت خوانده شود که بسته به مکان و موقعیت، مدت زمان آن متفاوت است. از ویرگی‌های چوشی خوانی در جنوب این است که ناگهانی و بدون هیچ مقدمه‌ای شروع می‌شود و اکثرًا شعرهای بسیار کوتاه برای آن انتخاب می‌گردد.

۳-۳. کارکردهای چاوشی

سنت چاوشی در گذشته نه چندان دور، کارکردهای فراوان داشته است. به برخی از این موارد اشاره می‌شود.

۱-۳-۳. زیارت

عمدتاً زیارت خانهٔ خدا و عتبات عالیات و اماکن مقدس. آنچه امروز بیشتر رواج دارد، چاوش سفر و زیارت است.

۲-۳-۳. رمضان

چاوش برای پیش باز ماه رمضان و سحرهای رمضان (عناصری، ۱۳۶۶: ۱۳۷-۱۳۷).

۳-۳-۳. جشن و سورور

برخی چاوشان حتی پیشاپیش عروس نیز چاوشی می‌کنند (آل احمد، ۱۳۴۹: ۵۰). در جشن‌های ختنه سوران مصر نیز کسانی با نام «شاویش» متصدی بخشی از مراسم هستند (مشهدی نوش‌آبادی و موسی‌پور، ۱۳۷۷، ج ۱۱: ۶۸۷). انجوی شیرازی نمونه‌ای از اشعار غیردینی چاوشان را می‌آورد که نشان می‌دهد چاوشان در مراسم غیردینی و سورورها نیز می‌خوانده‌اند (انجوی شیرازی، ۱۳۷۹: ۱۰۰-۱۰۲).

۴-۳-۳. کار

در بوشهر، هنگام به آب افکندن شناورهای ماهی‌گیری نیز چاوشی می‌کردند (شریفیان، ۱۳۸۵: ۶۵). در خور و نایین، در جشن کشت شلغم، سر زمین کشاورزی، چاوشی خوانی می‌کنند (شاپرخ، ۱۳۹۲: ۱۰۰-۱۰۳). در هرمزگان، در جشن عروسی و تولد ائمه و حتی هنگام کارهای ساختمانی، چاوشی اجرا می‌شود.

۵-۳-۳. تعزیه

در تعزیه هایی که اهل بیت^(۴) به سفر می روند یا شیعیان برای زیارت راهی می شوند؛ برای مثال، در تعزیه چهار سردار، وقتی کاروان امام حسین^(۴) به طرف کربلا در حرکت است، حضرت ابوالفضل^(۴) چاوشی می کند یا در تعزیه امام رضا^(۴)، هنگام حرکت امام از مدینه به سمت خراسان، چاوش می خوانند. در مجالسی نظیر داود یهودی، شاه عباس و نایینا و... هم در مسیر سفر اشخاص برای زیارت، چاوشی داریم؛ برای نمونه:

از خاک رضا بوی جنان می شنوم

فرياد رضا به گوش جان می شنوم

هر صبح و مسا بگو به مأمون لعنت

من مدح رضا ز قدسیان می شنوم

(نادعلیزاده، ۱۴۰۰: ۲۹)

۶-۳-۳. محرم

چند روز قبل از محرم، برای پیش باز محرم و نیز در صبح عاشورا، چاوشی اجرا می شد. در این موقع، چاوش روی پشت بام مسجد می رفت و اشعاری را با صدای بلند می خواند تا اگر روضه ای برپا شد، آن را به اطلاع اهالی برساند. همچنین، چاوشی به صورت پامنبری اجرا می شد که چاوش خوانان بین دو منبیر، اشعاری را به عنوان پامنبری می خوانندند (نصری اشرفی، ۱۳۸۳: ۱۰۹). هنگام محرم، در بیرون از وقت عَلَم بندان، چاوشی می خوانند و مردم در پایان هر بند چاوشی، صلوات می فرستند (برآبادی، ۱۳۸۰: ۴۷-۴۸). در بیرون از وقت عَلَم بندان، چاوش خوان به درون نخل می رود و چاوشی می کند (بلوک باشی، ۱۳۸۰: ۷۱-۷۲).

نمونه چاوشی محرم:

ای محرم، ماه ماتم، آمدی
با غم و اندوه توأم آمدی
ای محرم، آمدی با غلغله
دستان را تنگ کردی حوصله
ای محرم، از تو دارم اضطراب
در تو چون شد آسمان دین خراب
ای محرم، در تو با صد شور و شین
کشته شد از کین، علمدار حسین

نمونه شعر چاوش اربعین:

شما، اهل وطن، عشرت سرآمد
شما را پیک ماتم از در آمد
در این شهر از وفا دیگر نمانید
که خاک غم شما را بر سرآمد
به دشت کربلا، فرزند زهراء
شهید از تیغ شمر کافر آمد
ز شام اینک سوی شهر مدینه
دوباره زینب غمپرور آمد

۷-۳-۳. اطلاع دادن مرگ کسی

چاوش مرگ یا صلات‌گفتن و صلات‌کشیدن زمانی است که چاوش خوان هنگام درگذشت کسی، برای آگاه‌کردن اهالی محل و دعوت آن‌ها برای تشییع و تدفین، اشعاری را با صدای بلند می‌خواند. این نوع در برخی از نقاط ایران به «کُتل خوانی» شهره است؛ زیرا چاوش خوان بالباس سیاه بر کُتل (اسب) سیاه‌پوش آوازه‌ای رامی خواند که مضمون آن از واقعه‌ای ناگوار خبر می‌دهد (درباره کتل خوانی، نک: ۱۳۷۸: ۵۶-۵۹؛ قنبری عدیوی، ۱۳۸۲: ۵۰-۵۴).

۸-۳-۳. اندرز

برای نمونه، چاوش قیامت که در گذشته، در عصرهای جمعه اجرا می‌شد و چاوش خوان اشعاری را درباره قیامت و سفر آخرت می‌خواند.

۴-۳. مراحل کار چاوش خوانان

مرحله اول: فرآخوان سفر است که چاوش خوان فقط اطلاع‌رسانی می‌کند. چاوش خوانان با افزایش علم یا بیرق بردوش، گردش رو و ده می‌گشتند و با خواندن اشعار خاص خود، به اهالی می‌فهمانندند که چند روز دیگر کاروانی عازم شهر زیارتی است و اگر کسی می‌خواهد به کاروان ملحق شود، خود را آماده کند. اینان هریک محله‌ای را تحت پوشش خود می‌گرفتند (عناصری، ۱۳۶۶: ۱۶۹).

مرحله دوم: بدرقه کاروان است که هدف از چاوش خوانی، علاوه بر اطلاع‌رسانی، نظم‌بخشیدن به کاروان و به حرکت درآوردن کاروانیان و نیز بدرقه آنان بوده است. کاروانیان در میدانی جمع می‌شدنند و بدرقه‌کنندگان پس از چاوشی، تا دویست قدم خارج از آبادی نیز به همراه کاروان می‌رفتند. در حین بدرقه کاروانیان تا خارج آبادی، به تناسب مقصد سفر، اشعاری را اغلب به صورت چهاربیتی می‌خوانندند که معمولاً یک مصراع صلوات خوانی به آن اضافه می‌شد. این اشعار را «چاوش رفت» می‌گویند: «چاوش خوانی تا زمانی که زائر سوار اتوبوس می‌شد یا در بازگشت از سفر تا زمانی که

به منزلش می‌رسید، ادامه می‌یافت» (هاشمی، ۱۳۸۷: ۸۵).

مرحله سوم: در طول سفر که چاوش خوانان متناسب با هر موقعیت، اشعاری می‌خوانند و گاه کاروانیان نیز در قالب صلوات‌خوانی، با آن‌ها همراهی می‌کردند:

«حتی برای حفاظت از قافله، تفنگ یا شمشیر با خود حمل می‌کردند و علاوه بر اعلام زمان حرکت و استراحت و تدارک محل سکونت و خرید مایحتاج، راهنمایی زائران را در اماکن زیارتی نیز بر عهده داشتند» (طباطبایی اردکانی، ۱۳۸۱: ۴۶۴). در شهرهای بزرگ، این گروه از چاوشان را چند هفته قبل از آغاز مسافت، به خدمت می‌گرفتند (شهری، ۱۳۸۱، ج ۳: ۴۵۳). این گونه چاوشی‌ها صورت کاملاً حرفه‌ای داشتند.

مرحله چهارم: استقبال از کاروان بود که استقبال‌کنندگان به تناسب مقصد کاروان، اشعاری را با نام «چاوش بازگشت» می‌خوانند:

«در بلوشه، تا سال‌های اخیر و حتی در همین زمان، کم و بیش رسم بوده که سه روز قبل از حرکت و سه روز پس از بازگشت زائران کربلا یا مشهد و خانه خدا، در منزل زائر، مراسم چاوشی‌خوانی و صرف شام و ناهار برقرار می‌شد و همسایگان برای دیدار زائر و خانواده‌اش که در حال آماده‌شدن برای سفر بودند، به خانه او می‌آمدند و با صرف ناهار یا شام، اورا خوشحال می‌کردند» (حمیدی، ۲۰۰۴).

گاه چاوش خوانان پیش‌تر از زائران به شهرها مراجعت می‌کردند و خبر سلامتی آنان را به خانواده‌ها می‌دادند (فقیهی، ۱۳۵۰: ۳۰۸).

۳-۵. چاوش خوانان

افرادی از متدينان خوش‌صدا و گاه سید بودند که با داشتن برخی ویژگی‌ها، این شغل را بر عهده می‌گرفتند. در ادامه به برخی از شاخصه‌های این افراد اشاره می‌شود.

۱-۵-۳. لباس

چاوش خوان مُحرَّم لباسی سپید و بلند می‌پوشید و سادات چاوش خوان، شال سبز بر دوش داشتند و اگر عام بودند، شال مشکی بر گردند و کمر داشتند و با در دست گرفتن پرچم سیاه و سرخ، در خیابان‌ها و محله‌ها ظاهر می‌شدند. به لباس چاوش خوان «وصله» می‌گفتند. در آیین قلندری این لباس را چنین تعریف می‌کنند: «اگر پرسند که چاوش چند وصله دارد، بگو هفت وصله دارد: دو دستکش، نعلین، پاپوش، شلوار، سفره، خدمت، ابلق» (میرعبدیینی و افشاری، ۱۳۷۴: ۳۱۸). ابلق پر دورنگی است که سرهنگان بر کلاه خود می‌زدند.

۲-۵-۳. وسایل

نیزه، قمچی (تازیانه)، زنگ و پوست و عَلَم از وسایل چاوش خوانان بوده‌اند. علم چاوش اغلب سه‌گوش و سبزرنگ بود. ظهور علم چاوش و چاوش خوانی او در کوی و محله‌ها، هم مژده سفری روحانی بود و هم اعلام وقت خدا حافظی مسافران و حلالیت طلبیدن (یوسفی، ۱۳۷۰: ۶). بر علم چاوش خوانان، ایاتی مناسب با مقصد سفر، مثلًاً درباره عرفات یا منا، می‌نوشتند یا نقش‌هایی از حرمین شریفین یا گنبد و بارگاه امام علی^(۴) در نجف یا شمایلی از حضرت عباس^(۴) می‌نگاشتند (عناصری، ۱۳۶۶: ۱۳۶). برای زیارت اماکن مقدس داخلی، پرچم سبز و برای زیارت عتبات عالیات، دو پرچم سرخ و آبی و از جنس ابریشم به کار می‌رفت. برای زمان سوگ هم پرچم‌ها یا کتل‌های سیاه از جنس مخمل با منگوله زرد و حاشیه دوزی زری بودند.

۳-۵-۳. آواز گرم و صدای خوش

چاوش خوان باید با موسیقی و مقام‌های آن آشنا باشد. از نظر موسیقایی، مقام چاوشی از جمله مقام‌های سازی و آوازی است که به واسطه موسیقی تعزیه، جایگاه خود را در

موسیقی محلی برخی نواحی ثبیت کرده است. دستگاه چهارگاه بیشترین سهم را در اجرای چاوش‌خوانی در ایران به خود اختصاص داده است. استان گیلان نیز نوعی چاوش‌خوانی منحصر به خود دارد که در آواز دشتی اجرا می‌شود. این نوع از چاوش‌خوانی معمولاً به همراهی کرنانوازی اجرا شده و مراکز اجرای آن شهرستان‌های آستانه اشرفیه (روستای فوشازاده) و لاهیجان (روستای ایشکا) هستند (نصری اشرفی، ۱۳۸۳: ۱۰۹).

۴-۵-۳. حافظه

چاوش‌خوان باید با انواع اشعار و نوحه‌ها و چاوش‌ها در تمام موقعیت‌ها آشنایی داشته باشد. اغلب چاوش‌خوانان خود شاعر و سراینده این چاوش‌نامه‌ها بودند.

۵-۵-۳. موقعیت‌شناسی

چاوش‌خوان باید موقع‌شناس باشد و در هر سفر زیارتی، بر مضامینی تأکید کند که با مقصد زائران مناسبت دارد. حال و هوای شوق زیارت و امیدواری به حصول حاجات و قبولی توبه در این اشعار غالب است. ازین‌رو، گاه چاوشان در هر سفر فی البداهه نیز اشعاری می‌سرودند؛ چنان‌که در اشعار چاوشی مربوط به حج، مضامون‌هایی راجع به قربانی‌کردن حضرت اسماعیل با تأکید بر «ذبیح الله» بودن او چشم‌گیرترند (عناصری، ۱۳۶۶: ۱۳۷-۱۳۵ و ۱۵۳-۱۵۴).

۶-۵-۳. مهارت‌های چندگانه

چاوش‌خوان «سید و گاه مداعی یا روحانی» (هاشمی، ۱۳۸۷: ۷۹) است که مداعی و اذان‌گویی و اعلان فراغخوان به مردم را بر عهده دارد. علاوه بر آن، هنگام حرکت، «سقایی زائران را به عهده دارد و برایشان آتش روشن می‌کند و هیزم جمع می‌کند» (نظری و دیگران، ۱۳۸۴: ۵۴۵).

۴. چاوش نامه‌ها

۴-۱. ساختار و محتوای چاوش نامه

تمام چاوش نامه‌ها از بخش‌هایی مشابه تشکیل شده‌اند و ساختاری نزدیک به هم دارند که این ساختار براساس محتوا و سیر و مراحل چاوشی، به قرار زیر است.

۴-۱-۱. بسم الله خوانی

ابتداًی اغلب چاوش نامه‌ها به سنت متون اسلامی، با بسم الله منظوم است که خود سابقه‌ای طولانی در ادب منظوم فارسی دارد:

هرکه دارد هوس کرب و بلا بسم الله

هرکه دارد سر همراهی ما بسم الله

یا

اول از حمد خدا آیه بسم الله است

دوم از حیدر صدر که ولی الله است

۴-۱-۲. صلوات خوانی

گاه چاوش خوان در ابتدا، میانه، پایان و هرجا که اقتضا کند، صلوات خوانی و دعوت به فرستادن صلوات می‌کند. ممکن است صلوات خوانی شکل مسجع (شعرگونه) داشته باشد:

اول به مدینه، مصطفی را صلوات

دوم به نجف، شیر خدا را صلوات

در کرب و بلا، به شمر ملعون لعنت

در تو س، غریب الغربا را صلوات

۴-۳. ترغیب به زیارت

چاوش باید با اشعار برانگیزاننده و پراحساس، به جلب نظر و خاطر مردم برای این سفر روحانی اقدام کند. این ترغیب به سفر جنبهٔ تبلیغاتی دارد و به مسافر اطمینان می‌دهد که سفر او بی خطر است:

ای عزیزان، سفر کرب و بلا در نظر است

ما خبر کردیم و رفتیم، سفر بی خطر است

در این ترغیب‌ها، چاوش خوان تکیه دارد که اکنون آرزو داران زیارت می‌توانند به مقصد و مقصد برسند و اگر تأخیر کنند، ممکن است آرزو بدل بمانند:

بر مشام می‌رسد هر لحظه بوی کربلا

بر دلم ترسم بماند آرزوی کربلا

تشنه آب فراتم، ای اجل، مهلت بد

تا بگیرم در بغل، قبر شهید کربلا

۴-۴. پیش‌مضمون

اشعاری که به تناسب هر سفر، حکم براعت استهلال داشتنند و ذهن شنووندگان را آماده می‌کردند؛ برای نمونه، این شعر به هنگام رفتن کاروان به سوی عتبات عالیات، به عنوان پیش‌مضمون خوانده می‌شد:

آب یک آب است، اما در صفات

هست بهتر از همه آب فرات

قدر او بالاتر از زمزم بُود
 چون به خاک کربلا همدم بُود
 چون که مهر دختر پیغمبر است
 لاجرم از آب حیوان بهتر است
 ای دریغا در کنار این فرات
 زاده زهرا به هنگام ممات،
 گاه از سوز عطش می‌کرد غش
 گاه می‌فرمود: ای قوم، العطش!

(جوهری، ۱۳۷۰: ۴۸)

۴-۵. شرح سفر

بخشنامه‌ها شرح مراحل و سختی‌های سفر، توصیف منازل بین راه، ذکر خطراتی چون درزدی، اوضاع بد جوئی، جدایی ناخواسته اهل کاروان، سختی گرفتن تذکره (ویزا) و از این قبیل بوده که خود ماده درخور توجهی برای مردم‌شناسی و اوضاع راه‌ها و شوارع است. چاووش‌خوان در این بخش همچون سفرنامه‌نگاری خبره، جزئیات مسیر و اتفاقات و دیدنی‌ها را با تکیه بر اماکن مذهبی، با احساس زلال و عشق خود و مصائب اهل بیت همراه می‌کند:

چون از وطن روانه سوی کربلا شدیم
 امیدوار بر کرم کبیریا شدیم
 دیدیم بقعه شاه عبدالعظیم را
 در آستان شاه مقامش گدا شدیم

کردیم پس زیارت معصومه را به قم

آنجا دخیل خواهر شاه رضا شدیم

گشتم پس به جانب کرمانشاه روان

آنچا به دست تذکره چی مبتلا شدیم

اما هزار شکر که از هر چه بود و هست

دادیم پول و از همگی شان رها شدیم!

(ذوق‌الفاری و حیدری، ۱۳۹۵: ۱۸۰)

۶-۱-۴. وصف اماكن متبرکه

شاید بخش مهمی از چاوش نامه‌ها توصیف اماكن مقدس و شرح دیدار از این مکان‌ها بوده باشد که زبان حال زائرانی است که سالیان متوالی آزوی دیدار این بقاع و آرامگاه‌ها را داشته‌اند:

در مقامات مسجد کوفه

جابه‌جا طاعت خدا کردیم

اول از بهر والدین عزیز

طلب نصرت از خدا کردیم

مسلم و هانی و دگر مختار

ما زیارت جداجدا کردیم

(جهانی برزکی، ۱۳۸۵: ۹۳)

در این اشعار، شوق زائد الوصف زائر در دیدن بخش‌های مختلف بارگاه امام رضا^(۴) مشهود است:

پانهادم چون به مسجد، یادم آمد از بهشت

صحن او دارد شرف بر قصر جنات‌العلی

ذکرگویان، دیده گریان، تا میان کفش‌کن

پانهادم، اشک جاری شد مرا از دیده‌ها

بر در اول که سقاخانه آن حضرت است

آب کوثر در میانش شربت بیمارها

چلچراغی دیدم از نزدیک چون نخل بهشت

لیک سوزان، اشک ریزان، چون تنِ غمناک‌ها

بود در دارالحفظ و لوح قرآن مجید

چیده در پهلوی هم سرلوح هریک از طلا

(ذوالفقاری و حیدری، ۱۳۹۵: ۱۷۶)

۷-۱-۴. مدح و منقبت امامان

هدف اصلی سفر، زیارت بارگاه امامان و عشق فوق العادة زائران به آنان است. همین شوق چاوش خوان را برآن می‌دارد تا زبان به مدح و منقبت و ذکر صفات و مصائب آنان بازکند و احساسات مؤمنان را برانگیزند:

یوسفی از مصر کنعان در خراسان آمده

سنگ بر تعظیم او از کوه غلتان آمده

قبله هفتم، شه هشتم، علی موسی الرضا

از عرب شاه غریبی در خراسان آمده

(هاشمی، ۱۳۸۷: ۹۲)

۴-۱-۸. یادگرد درگذشتگان و حق داران

در چاوش نامه‌ها، دربارهٔ نیابت زیارت در حق آنان که دستشان از جهان کوتاه بوده، اشعاری وارد شده است:

بود خالی جای یاران، جملگی از مرد و زن
 در حریم کعبه، سلطان علی موسی الرضا
 در زیارت‌نامه خواندم، باز آوردم به یاد
 حق داران و حق قوم و خویش اقراها

۴-۹-۱. آرزوی زیارت دیگر

چاوش خوان در پایان سفر آرزو می‌کند مسافران این سفر و نیز آنان که توفیق نداشته‌اند، سال دیگر و در سفر دیگر، همراه کاروان باشند:

بارالها، کن نصیب دوستان سال دگر
 هم نجف، هم کربلا، هم مشهد شاه رضا!

۴-۱۰. بازگشت

هنگام بازگشت، اشعاری خوانده می‌شد که مناسب همان سفر بود. اگر کاروان از سفر حج بازمی‌گشت، چنین می‌خوانندند:

حجیان از حرم امن خدا آمده‌اند
 شادمان در وطن، از سعی و صفا آمده‌اند

شکر بسیار خدا را که به ایران عزیز
 حاجیان از حرم امن خدا آمده‌اند!

و چنانچه بازگشت کاروان از سفر عتبات عالیات بود، این شعر را می‌خوانندند:

رفتم به کربلا به سر قبر هر شهید
 دیدم که تربت شهدامشک و عنبر است
 هر یک شهید مرقدشان چهارگوش داشت
 ششگوش یک مزار، در آن هفت‌کشور است
 پرسیدم از یکی سببش را، به گریه گفت:
 پایین پای قبر حسین، قبر اکبر است

(ناصرالدین شاه قاجار)

در میان اشعار بازگشت، برخی مضامین بر خرسندی از این سفر معنوی دلالت دارند:
 از جوار مشهد شاه رضا برگشته‌ایم
 از ضریح آن امام مقتدا برگشته‌ایم
 سر فدا کردیم در راه امام هشتمین
 مژده‌ای یاران، ز ایوان طلا برگشته‌ایم
 سرمهٔ چشمان نمودیم خاک پای شاه دین
 از حضور آن امام باولا برگشته‌ایم

(عناصری، ۱۳۶۶: ۱۴۰)

۴-۲. جنبه‌های ادبی چاوش‌نامه‌ها

چاوش‌نامه‌ها زبانی ساده، عامیانه، صمیمی، پرشور و جذاب دارند و در بردارنده عقاید و اندیشه‌های شیعی و احساسات و عواطف زائران هستند. اشعار چاوشی بیشتر در قالب دویستی است؛ اما سایر قالب‌های شعری، همچون مثنوی، قصیده و قطعه نیز در مواردی به کار می‌روند. در برخی چاوشی‌ها، اصول وزن و قافیه کمتر

رعایت می‌شود. وزن غالب چاوشی‌ها بحر رمل مثمن محذوف است (فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلات)، مثل «یک طوف مرقد سلطان علی موسی الرّضا» یا بحر خفیف (فعلاتن مفاعلن فعالات)، مثل «که خدا گفته در همه آیات» و بحر مجتث (مفاعلن فعالاتن مفاعلن فعالات)، مثل «به شاه قبّه طلا، حضرت رضا، صلوات». اشعار چاوشی بیشتر ساختهٔ ذوق و تخیل علاقه‌مندان است و سرایندگان آن‌ها اغلب نامعلوم‌اند. به همین سبب است که بعضی از اشعار چاوشی فاقد قافيةٌ مرتب‌اند (حمیدی، ۲۰۰۴). اغلب اشعار سرودهٔ خود چاوش خوان‌ها هستند یا آنان اشعار را به مناسبت تغییر می‌دهند. یکی از وجوده مشترک آیین چاوش خوانی، مشترک بودن اشعار چاوش خوانان در مناطق ایران است.

۳-۴. جنبه‌های مردم‌شناسانه چاوش نامه‌ها

از میان چاوش نامه‌ها می‌توان به اطلاعات تاریخی، جغرافیایی، زبانی و فولکلوریک دیگر دست یافت؛ از جملهٔ وقایع سفر و دشواری‌های راه و سختگیری‌های مرزبانان یا لوازم سفر (عناصری، ۱۳۶۶: ۱۵۳)؛ چنان‌که در چاوش نامهٔ زفره‌ای، به بیش از هفتاد و سیلهٔ لوازم سفر زائران، مثل قوطی گوگرد، ذره‌بین، مگس پران، واپر و قوطی تریاک اشاره شده است:

ای عزیزان، آنچه همراه است، زان یاد آورید

رختخواب و تنگ آب و سفره نان یاد آورید

از قُر و زنگ و دگر افسار و زنجیر و کمند

شمع و فانوس و فنر یا سیخ آن یاد آورید

قندشکن را با سماور جمع کن با قهقهه جوش

انبر و چاقو و سوزن، ریسمان یاد آورید...

(رجایی زفره‌ای، ۱۳۵۴: ۴۰۵)

در چاوش نامه زیر، معلوم می‌شود هزینه گرفتن تذکره پانزده قران بوده است:

پانزده قران داده، گرفتیم تذکره

بعد از دو شب، روانه از آن غم‌فرما شدیم

۴-۴. چاوش نامه‌های موجود

چاوش نامه‌ها همگی به شعر و منظومه‌ای روایی و در شرح سفر زیارتی هستند. اغلب آن‌ها سراینده مشخصی ندارند. به دلیل رواج سنت چاوشی، تاکنون چندین منظومه از این چاوش نامه‌ها منتشر شده است. با بررسی نسخ خطی، تنها یک نمونه خطی متعلق به قرن سیزدهم مشاهده شد. اغلب متون قدیم منتشرشده، از آثار چاپ سنگی‌اند. اشعار مشترک میان آن‌ها زیاد است و این موضوع نشان می‌دهد که خوانندگان اغلب این اشعار در نوع اشعار و نحوه اجرا، شیوه یکسان دارند. چند چاوش نامه مشهور عبارت اند از:

۱. قصيدة چاوش نامه حضرت رضا^ع: شامل ۱۴ بیت در بحر رمل به مطلع زیر:

شکر لله شد نصیبم مشهد شاه رضا

یافتم بوی بهشت از مرقد شاه رضا!

همچنین یک قطعه و سه رباعی در پایان آمده است. سراینده جای‌ها و چیزهایی را که در حرم دیده است، توصیف می‌کند: «کفش‌کن، سقاخانه، دارالحفظ، ضریح»؛ این قصیده در ذیل آثار مكتب‌خانه‌ای منتشر شده است؛ زیرا آن را در مكتب‌خانه‌ها می‌خوانده‌اند (ذوالفقاری و حیدری: ۱۳۹۵).

۲. قصيدة چاوش نامه کربلای معلاء: شامل ۶۱ بیت که در بحر مجتث سروده شده است و چنین آغاز می‌شود:

چون از وطن روانه سوی کربلا شدیم

امیدوار بر کرم کبریا شدیم

در این قصیده، شاعر شرح سفر زیارتی خود و همراهان را به کربلا آورده است. سفر ظاهراً از تهران شروع می‌شود. مسافران نخست به زیارت مرقد عبدالعظیم می‌روند. سپس حرم حضرت معصومه^(س) را در قم زیارت می‌کنند و راهی بیستون و کرمانشاه می‌شوند. در کرمانشاه، گرفتار تذکره‌چی طمع‌کار می‌شوند. از ایران وارد عراق می‌شوند و خانقین را زیارت می‌کنند. از شهر وان، قزل‌رباط و یعقوبیه دیدن می‌کنند و مرقد امامان علی‌النقی و حسن عسگری^(ع) و نیز چاهی را که حضرت مهدی از آنجا غایب شده است، زیارت می‌کنند. شهر کاظمین زیارت‌گاه بعدی مسافران است. درگذر از آنجا، در راه کربلا، نخست قبر طفلان مسلم را زیارت می‌کنند. سپس مسافران به زیارت امام حسین^(ع)، قبر شهیدان کربلا و خیمه‌گاه ایشان می‌روند. درنهایت، زائران به وطن بازمی‌گردند (ذوالفقاری و حیدری: ۱۳۹۵).

۳. قصيدة چاوش نامه: در ۱۶ بیت منسوب به ناصرالدین شاه در شرح زیارت کربلا و ۱۲ بیت در شرح زیارت مرقد شش‌گوشۀ امام حسین و علی‌اکبر^(ع)، زیارت قبر حبیب بن مظاهر و حضرت عباس^(ع) آمده است. پس از دیدار از خیمه‌گاه، شاعر عازم نجف شده و به زیارت مرقد حضرت علی^(ع) نائل می‌شود. درنهایت، شاعر و همراهان با دلی پراشک و اندوهگین، از سفر خود بازمی‌گردند (ذوالفقاری و حیدری: ۱۳۹۵).

۴. چاوش نامه حضرت رضا^(ع) و کربلای معلاء: گردآورنده یا شاعر نامعلوم بوده و این اثر بی‌تاریخ است.

۵. چاوش نامه حاج محمود کفش‌داری: که شرح سفر زیارت مرقد حضرت رضا^(ع) به شعر، در توصیف کفش‌کن، سقاخانه، دارالحفظ، ضریح و سرانجام توفیق زیارت حرم امام برای دیگران است (چاوش نامه: ۱۳۴۶).

۶. چاوش نامه رجائی زفرای: در دفتر نهم کتابداری نسخه‌های خطی «نشریه

کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، شماره ۳۰)، چند نسخه خطی موجود در روزتای زفره (ص ۲۳۴-۲۴۱) معرفی شد. یکی از آن‌ها به شماره ۲، چاوشی امام رضا^۴ در ۱۲ نوع و هر نوع مشتمل بر دو بیت است (۱۳۵۴: ۴۰۵-۴۰۶؛ برای نمونه:

هزار شکر که شد بیرقم به چرخ بلند
به خاک درگه سلطان دین، به خاک افکند!

به چشم زخم عدو إن يَكَادْ بَايِدْ خواند
که تا برآتش حسرت شود حسود سپند

(رجائی زفره‌ای، ۱۳۷۸: ۶۰)

۷. چاوشی نامه: کتاب چاوشی نامه بازچاپ یکی از متن‌های چاوشی است که سراینده به معرفی سفرهای معنوی در دوره قاجار و اوایل دوره پهلوی می‌پردازد. از نکات بارز این چاوشی نامه، سفرنامه منظومی است که در قالب چاوشی سروده شده و سراینده طی آن، به معرفی سفر معنوی، منزلگاه‌ها، سختی‌ها و بهره‌های معنوی آن می‌پردازد. نویسنده این کتاب نمونه‌هایی از سروده‌های چاوشی زیارت حرم مطهر امام علی بن موسی الرضا^۴ و عتبات عالیات ائمه اطهار^۴ در عراق را گردآوری کرده است. شاعر بیشتر بخش‌های این چاوشی نامه مشخص نیست؛ اما بخشی از این کتاب سروده محمدحسن بن محمد رضا بیوکی، متخلص به رضوان، شاعر، قاری و هنرمند آستان قدس رضوی و بخشی نیز از سروده‌های ناصرالدین شاه است (غلامی جلیسه، ۱۳۹۲).

۸. چاوش خوانی: شامل مجموعه‌ای از اشعار چاوشی زائران حج و بارگاه امامان شیعه، تصویر پوسترها زیارتی و طومارهای زیارتی است. این کتاب که به کوشش مجید جلیسه فراهم آمده، مجموعه متن درهم آمیخته شش عنوان کتاب چاپ سنگی

و سربی چاوشی و نزدیک به ده پوستر زیارتی است که اشعار چاوشی و سفرنامه‌های منظوم را در خود جای داده‌اند. در این کتاب، ۲۷ قطعه شعر، شامل اشعار چاوشی و سفرنامه منظوم به چاپ رسیده است (نک: غلامی جلیسه، ۱۳۹۹).

۹. چاوشی ستی شیعیان: کتاب پژوهش مستقل درباره چاوشی سنتی شیعیان، نوشته سید حسین معتمدی است که در ۲۳ فصل، به معرفی و بررسی این سنت کهن می‌پردازد. عناوین بعضی از فصل‌های کتاب عبارت‌اند از: «چاوش و چاوشی و سابقه طولانی آن»، «چاوشی برای اعلام زیارت رفتن و بدرقه واستقبال زوار»، «اجر و ثواب ولیمه و اطعم زوار»، «اشعار چاوشی چگونه اشعاری است و جواب دادن به چاوش چگونه است؟»، «اشعار چاوشی برای زوار مکه و مدینه»، «اشعار چاوشی برای زوار کربلا»، «اشعار چاوشی برای زوار مشهد مقدس»، «اشعار چاوشی برای زوار حضرت زینب (س)»، «چاوشی و چاوشان و اشعار چاوشی برای فرارسیدن ماه محرم» و... (معتمدی: ۱۳۸۶).

۱۰. سفر عشق (مجموعه چاوشی‌نامه مکه و مدینه): گردآورنده این مجموعه رضا یعقوبیان است.

۱۱. چاوش نامه خطی: در آغاز نسخه خطی شماره ۱۶۱۰۱ کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی، اشعاری به فارسی آمده که کاتب و شاعر و تاریخ‌شن معلوم نیست و به نظر می‌رسد چاوشی‌ای باشد که پیش از سفر حج، برای گردآوری حجاج و تشویق مردم به این سفر معنوی، خوانده می‌شده است:

شیعیان ما را هوای طوف کوی داور است [کذا]

شور عمره در دل و سودای حج اندر سراست

هر که خواهان است، بستابد که نیکو خانه‌ای است

میزانش از تمام میزانان بهتر است

۱۲. چاوش خوانی: به فارسی و ترکی، گردآوردهٔ حسین شفایی خشگناب.
۱۳. چاوش نامه: مکهٔ معظمه، مدینهٔ منوره، کربلا، نجف، کاظمین، سامرا، مشهد مقدس و قم، گردآوردهٔ محمدعلی صفری.
۱۴. آیین چاوش خوانی: نوشتۀ رجیلی علامه (از خطیبان و ذاکران دامغان) و علیرضا رعیت حسن‌آبادی است (علامه، رعیت حسن‌آبادی، ۱۳۹۱). در این کتاب، در کنار تاریخچهٔ چاوش خوانی و دسته‌بندی انواع آن، اشعار چاوش خوانی برای مناسبت‌ها و موقعیت‌های مختلف آورده شده‌اند.
۱۵. چاوش کربلا: شامل اشعار چاوشی به ترکی که به همت محمود نیکجو تکمۀ داش گرد آمده است.
۱۶. مجموعهٔ چاوش خوانی: گردآورندهٔ این مجموعه جواد سراج روشنديل است.

۵. نتیجه‌گیری

چاوش نامه گونه‌ای از ادبیات دینی و شیعی بوده که از حیث ادبی، از نمونه‌های ادبیات غنایی عامه است و بیان‌کننده عواطف و احساسات خواننده و برانگیزاننده عشق و دلدادگی مخاطب و حاوی انعکاس آرزوها و برآورده شدن حاجات، اندوه سفر و مشکلات راه و شرح مصائب خاندان پیامبر^(ص) است. چاوشی از آیین‌های استقبال و بدرقه حاجیان و زائران عتبات و مشهد است که در هر منطقه، نامی نزدیک به چاوشی دارد. برخی از نتایجی که از این مقاله به دست آمده، بدین قرار است:

- ۱- به مجری چاوشی «چاوش خوان» می‌گویند. چاوش خوانان ویژگی‌هایی داشتند؛ از قبیل لباس سپید و بلند و شالی سبز بر دوش با وسایلی مثل نیزه، قمهچی (تازیانه)، زنگ و پوست، علم. آنان آوازی گرم و صدایی خوش داشتند و با موسیقی و مقام‌های آن آشنا بودند. چاوش خوان موقع شناس است و بدیهه سرا. او مهارت‌هایی چندگانه دارد. چاوشان پیش‌کسوت پس از رسیدن به مرحله علمداری، به کارتربیت شاگرد در زمینه‌هایی چون نوچگی، روخوانی از چاوش نامه‌ها، از بر کردن، هم‌آوابی و همراهی با چاوش ماهر، می‌پرداختند. کار چاوش خوانان چهار مرحله داشت: در هنگام فراخوان سفر، بدرقه کاروان، در طول سفر و استقبال از کاروان. ۲- سنت چاوشی، جز زیارت و فراهم‌آوردن مقدمات آن، کارکردهای فراوانی داشته است، همچون پیشباز ماه رمضان و سحرهای آن، در مجالس جشن و سرور، هنگام به آب افکندن شناورهای ماهی‌گیری و کشاورزی، در جشن عروسی، تولد ائمه، در تعزیه خوانی، برای اندرز درباره قیامت و سفر آخرت، برای پیشباز محرم و نیز صبح عاشورا یا اطلاع‌دادن مرگ کسی. ۳- چاوش نامه‌ها ساختار و محتوای خاصی دارند؛ از جمله بسم الله خوانی، صلوات خوانی، ترغیب به زیارت، پیش‌مضمون، شرح سفر، وصف اماکن متبرکه، مدح و منقبت امامان، یادکرد درگذشتگان و حق‌داران، آزوی زیارت دیگر و بازگشت. ۴- چاوش نامه‌ها زبانی ساده، عامیانه، صمیمی، پرشور و جذاب دارند و

دربدارنده عقاید و اندیشه‌های شیعی و احساسات و عواطف زائران اند. ۵- اشعار چاوشی بیشتر در قالب دویتی است؛ اما سایر قالب‌های شعری همچون مثنوی، قصیده و قطعه نیز در مواردی به کار می‌روند. ۶- از میان چاوش‌نامه‌ها می‌توان به اطلاعات تاریخی، جغرافیایی، زبانی و فولکلوریک دست یافت؛ از جمله وقایع سفر و دشواری‌های راه و سختگیری‌های مرزبانان یا لوازم سفر. ۷- اغلب اشعار چاوشی سراینده مشخصی ندارند. سنت چاوشی چنان رواج داشته که تاکنون چندین منظومه از این چاوش‌نامه‌ها منتشر شده است.

منابع

۱. ابن بطوطه (۱۳۳۷). سفرنامه ابن بطوطه. ترجمة محمد علی موحد. تهران: علمی و فرهنگی.
۲. احمدی، لیلا (۱۳۹۴). «چاوش خوانی». دانشنامه فرهنگ مردم ایران. ج ۳. زیرنظر: اصغر کریمی و محمد جعفری (قنواتی). تهران: مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی.
۳. آسايش، محمد حسن (۱۳۸۶). «محرم در کوچ نهارجان بیرجند». نجواي فرهنگ. ش ۵ و ۶. صص ۱۴۷-۱۵۰.
۴. آصف، محمد هاشم (رستم الحكماء) (۱۳۵۲). رستم التواریخ. تصحیح محمد مشیری. تهران: [بی‌نا].
۵. افشاری، مهران (۱۳۸۲). فتوت نامه‌ها و رسائل خاکساریه (سی رساله). تهران: پژوهشگاه علوم انسانی.
۶. آل احمد، جلال (۱۳۴۹). اورازان. تهران: [بی‌نا].
۷. انجوی شیرازی، ابوالقاسم (۱۳۷۹). جشن‌ها و آداب و معتقدات زمستان. تهران: [بی‌نا].
۸. انوشه، حسن (۱۳۸۱). فرهنگنامه ادبی فارسی: دانشنامه ادب فارسی. ج ۲. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. سازمان چاپ و انتشارات.
۹. اوتر، ژان (۱۳۶۶). سفرنامه. ترجمة علی اقبالی. تهران: جاویدان.
۱۰. باستی، شهرام والهام مؤمنی (۱۳۹۸). «چاییشی، عشوری و آیین ای دوست خوانی در شهرستان دامغان». فرهنگ و ادبیات عامه. ش ۳۰. صص ۱۷۵-۱۹۹.
۱۱. برآبادی، احمد (۱۳۸۰). مردم‌نگاری مراسم عزاداری ماه محرم در شهرستان بیرجند. تهران: مرکز نشر و تحقیقات قلم آشنا.

۱۲. بلوکبashi، علی (۱۳۸۰). نخلگردانی: نمایش تمثیلی از جاودانگی شهیدان. تهران: [بی‌نا].
۱۳. پولاک، یاکوب ادوارد (۱۳۶۱). سفرنامه پولاک. ترجمه کیکاووس جهانداری. تهران: [بی‌نا].
۱۴. جاوید، هوشنگ (۱۳۸۵). «چاوش: بانگ قدسی». مقام موسیقایی. ش ۳۴ شهریور ۱۳۸۵: صص ۲۲-۲۶؛ ش ۳۵. مهر ۱۳۸۵: ص ۱۰-۱۲.
۱۵. ——— (۱۳۸۸). پرند ستایش در ایران. تهران: سوره مهر.
۱۶. جهانی بزرگی، زهرا (۱۳۸۵). بزرگ، نگین کوهستان. کاشان: منجانب.
۱۷. جوهری، سید عباس (۱۳۷۰). کلیات خزانه الأشعار، ۷. ج. تهران: سعدی.
۱۸. حسن عالی، فاطمه (۱۳۹۴). پژوهشی در فرهنگ و آداب و رسوم اهرم تنگستان. بوشهر: خانه ریاضیات بوشهر.
۱۹. حمیدی، جعفر (۲۰۰۴). «چاوش و چاوشی (چوش)»، نسیم جنوب: هفته‌نامه محلی بوشهر.
۲۰. خاقانی شروانی، افضل الدین (۱۳۱۶). دیوان خاقانی شروانی. به کوشش علی عبدالرسولی. تهران: [بی‌نا].
۲۱. خلف تبریزی، محمدحسین بن خلق (۱۳۶۳). برهان قاطع. به اهتمام محمد معین. چ. ۵. تهران: امیرکبیر.
۲۲. دانای علمی، جهانگیر (۱۳۹۶). موسیقی، کار و زندگی در غرب مازندران. تهران: سوره مهر.
۲۳. درویشی، محمدرضا (۱۳۷۳). مقدمه‌ای بر شناخت موسیقی نواحی ایران. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی. حوزه هنری.

۲۴. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۴۵). *لغت‌نامه فارسی*، زیر نظر محمد معین و جعفر شهیدی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۲۵. ذوالفقاری، حسن و محبوبه حیدری (۱۳۹۵). *ادیات مکتب خانه‌ای ایران*. چ. ۲. تهران: چشمه.
۲۶. رجائی زفه‌ای، محمد‌حسن (۱۳۵۴). «چاوشی نامه». وحید. ش. ۱۸۱. صص ۴۰۵۴۰۶.
۲۷. ——— (۱۳۷۸). «نسخه‌های خطی محمد‌حسن رجائی زفه‌ای». نشریه تحقیقات و اطلاع‌رسانی دانشگاهی. دوره ۰. ش. ۳۲۳۳. شماره پیاپی ۸۲۴. بهار. ص ۵۹.
۲۸. سراج روشن‌دل، جواد (۱۳۹۲). بررسی: پرینیان هنر. [بی‌جا]: [بی‌نا].
۲۹. سعیدی، سهراب و علی‌محمد پشت‌دار و حسین قاسم‌پور مقدم (۱۳۹۸). «آیین چاوش‌خوانی در استان هرمزگان». پژوهش‌های ایران‌شناسی. ش. ۱. صص ۹۹-۱۱۵.
۳۰. شایسته‌رخ، الهه (۱۳۹۲). «آیین‌های شادی‌بخش در کشاورزی». فرهنگ مردم ایران. ش. ۳۴. صص ۸۹-۱۰۹.
۳۱. شریعت‌زاده، علی‌اصغر (۱۳۷۱). فرهنگ مردم شاهروд. چ. ۲. [بی‌جا]: [بی‌نا].
۳۲. شریفیان، محسن (۱۳۸۵). *اهل ماتم (آواها و آیین سوگواری در بوشهر)*. تهران: دیرین.
۳۳. شفایی خشگناب، حسین (۱۳۹۱). چاوشی خوانی. تهران: [بی‌نا].
۳۴. شهری‌باف، جعفر (۱۳۸۱). طهران قدیم. تهران: [بی‌نا].
۳۵. صفری، محمد‌علی (۱۳۸۳). چاوش نامه: مکهٔ معظمه، مدینهٔ منوره، کربلا، نجف، کاظمین، سامرا، مشهد مقدس و قم. مشهد: امامت.
۳۶. طباطبایی اردکانی، محمود (۱۳۸۱). فرهنگ عامه اردکان. تهران: [بی‌نا].
۳۷. عطاری، مهسان (۱۳۸۱). «چاوشی». فرهنگنامه ادبی فارسی: دانشنامه ادب فارسی. به سرپرستی حسن انوشه. چ. ۲. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

۳۸. علامه، رجبعلی و علیرضا رعیت حسن‌آبادی (۱۳۹۱). آینین چاوش خوانی. مشهد: ثابت‌قدم.
۳۹. عناصری، جابر (۱۳۶۶). درآمدی بر نمایش و نیایش در ایران. تهران: جهاد دانشگاهی.
۴۰. غلامی جلیسه، مجید (۱۳۹۲). چاوش‌نامه. قم: عطف.
۴۱. ————— (۱۳۹۹). چاوش خوانی. تهران: پرنده.
۴۲. فقیهی، علی‌اصغر (۱۳۵۰). تاریخ جامع قم. قم: [بی‌نا].
۴۳. قدری، حسین کاظم (۱۹۲۸). تورک لغتی. استانبول: [بی‌نا].
۴۴. قنبری عدیوی، عباس (۱۳۸۲). «ماهه‌گه»؛ یادمان بزرگان ایل بختیاری، کیهان فرهنگی، بهمن و اسفند. ش ۲۰۸-۲۰۹ صص ۵۰-۵۴.
۴۵. کاشغری، محمد بن حسین (۱۳۸۴). دیوان لغات‌الترک. برگردان به فارسی: محمد حسین‌زاده صدیق. تبریز: [بی‌نا].
۴۶. کفش‌داری، حاج محمود (۱۳۴۶). چاوش‌نامه. [بی‌جا]: [بی‌نا].
۴۷. محجوب، محمد جعفر (۱۳۸۳). «ادبیات عامیانه ایران». مجموعه مقالات درباره افسانه‌ها و آداب و رسوم مردم ایران. به کوشش حسن ذوالفقاری. تهران: چشم.
۴۸. مددی، حسین (۱۳۷۸). «آینین کتل، نمایش رمز و احساس در ایل بختیاری». نمایش: بهار و تابستان. ۵۶-۵۹ و چیستا: دی و بهمن. ش ۱۶۴ و ۱۶۵.
۴۹. مشهدی نوش‌آبادی، محمد و ابراهیم موسی‌پور (۱۳۷۷). «چاوش خوانی». دانشنامه جهان اسلام.
۵۰. مظلوم‌زاده، محمد‌مهدی (۱۳۸۷). «زیارت در کازرون». نجوا فرهنگ. ش ۸ و ۹. صص ۴۵-۴۸.
۵۱. معتمدی، سید حسین (۱۳۸۶). چاوشی سنتی شیعیان. قم: قلم مکنون.

۵۲. موریه، جیمز (۱۳۸۶). سفرنامه جیمز موریه. ۲. ج. ترجمه ابوالقاسم سری. تهران: توس.
۵۳. مولوی بلخی، جلال الدین محمد (۱۳۸۵). مثنوی. به تصحیح نیکلسون. چ. ۳. تهران: هرمس.
۵۴. میرعبدیینی، ابوطالب و مهران افشاری (۱۳۷۴). آیین قلندری. تهران: فراروان.
۵۵. میرخرایی، مریم و جهانگیر نصری اشرفی (۱۳۹۰). «چاوش و چاوشی». دائرة المعارف بزرگ اسلامی. زیرنظر کاظم موسوی بجنوردی. ج. ۱۹. تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی.
۵۶. نادعلیزاده، غلامعلی (۱۴۰۰). تعزیه‌نامه. ج. ۶. سمنان: سمنگان.
۵۷. ——— (بی‌تا). مجلس تعزیه امام رضا^ع در نیشابور. نسخه خطی.
۵۸. چاوش نامه حضرت رضا و کربلای معالا(بی‌تا). ناشناس. مشهد: کتاب‌فروشی دانش. بست علیا.
۵۹. ناصرالدین شاه قاجار (۱۳۹۰). دیوان کامل اشعار ناصرالدین شاه قاجار. به اهتمام حسن گل محمدی. تهران: علم.
۶۰. نصری اشرفی، جهانگیر (۱۳۸۳). نمایش و موسیقی در ایران. تهران: آرون.
۶۱. ——— (۱۳۹۰). از آیین تا نمایش. تهران: آرون.
۶۲. نظامی گنجوی (۱۳۳۴). خسرو و شیرین. به کوشش وحید دستگردی. تهران: ابن سینا.
۶۳. نظری، زلیخا و دیگران (۱۳۸۴). مردم‌شناسی روستای ایانه. تهران: سازمان میراث فرهنگی و گردشگری.
۶۴. نوری، افسانه و مجید جوادیان (۱۳۸۴). چاوش. به کوشش انجمن شعر و ادب یزد. یزد: اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان یزد.

۶۵. نیکجو تکمهداش، محمود (۱۳۹۰). چاوش کربلا (شامل اشعار چاوشی به ترکی). قم: اصباح.
۶۶. وصف بیدگلی، محمدرضا (۱۳۵۸). «چراغان: جغرافیای قصبه بیدگل». فرهنگ ایران زمین. ش ۲۴.
۶۷. هاشمی، علیرضا (۱۳۸۷). سفرهای زیارتی در فرهنگ مردم. تهران: مشعر.
۶۸. یعقوبیان، رضا (۱۳۸۳). سفر عشق: مجموعه چاوش نامه مکه و مدینه، کربلا و نجف، سوریه، قم و مشهد مقدس. مشهد: رستگار.
۶۹. یوسفی، غلامحسین (۱۳۷۰). «چاوش». کلک. ش ۱۴ و ۱۵. صص ۵۹.